



گرامی باد سالگرد رستاخیز سیاهکل و قیام بهمن!

مردم مبارز ایران!

در تاریخ مبارزاتی آزادیخواهانه هر ملتی، روزهای سرنوشت سازی وجود دارند که تاثیراتشان در میان مردم آن سرزمین، تاریخی، جاودان و فراموش ناشدنی ست. ۱۹ بهمن سال ۱۳۴۹ و ۲۱ و ۲۲ بهمن سال ۱۳۵۷ از زمره چنین روزهای تاریخی ای هستند.

چهل و یکسال پیش در ۱۹ بهمن ماه، در یکی از سرنوشت سازترین مقاطع تاریخ مبارزاتی مردم ایران، جمعی مصمم و آگاه از رشیدترین فرزندان انقلابی و پاکبخته کارگران و مردم رنج دیده ما یعنی چریکهای فدائی خلق، ضمن حمله به پاسگاه سیاهکل در جنگلهای شمال ایران و اعلان جنگ به رژیم ستم شاهی، با خون خود، بذره‌های نبرد دلاورانه ای را در خاک سرخ و ملتهب میهن ما در آن زمستان کاشتند که چندی بعد در قلب مردم ریشه دواند و به درختی تناور بدل شد و بهار را بشارت داد و سبزی و طراوت خود را بر سراسر ایران گسترده. در جنبش کمونیستی ایران، این سر فصلی جدید برای پیوند توده ها با پیشاهنگان راستینشان بود و با پاسخ مثبتی که توده های ستمدیده ایران به تدریج به ندای فرزندان انقلابی خود یعنی کمونیست های فدائی دادند، این جنبش رشد کرد و ۸ سال بعد در جریان قیام پرشکوه بهمن ۱۳۵۷، هزاران تن از کارگران و توده های زحمتکش ما با الهام از رزمندگان سیاهکل با شعارهای **"ایران را سراسر سیاهکل می کنیم!"**، **"فدایی فدایی تو افتخار مایی!"** بالاخره بساط ظلم و جور رژیم ضد خلقی شاه را به گورستان تاریخ سپردند.

اکنون بیش از چهار دهه از رستاخیز سیاهکل و بیش از سه دهه از قیام مسلحانه توده ای در سال ۵۷ می گذرد، اما گذشت زمان نه تنها از حقانیت آرمان رزمندگان سیاهکل و تئوری ای که آنها با اتکا به آن، راه آگاهانه و بی بازگشت انقلاب را آغاز کردند، ذره ای نکاسته است بلکه پراتیک عظیم اجتماعی ای که در طول این مدت در جامعه تحت سلطه ما اتفاق افتاده هر چه بیشتر بر اصول راهنمای کمونیست های فدائی مهر تایید زده است. اکنون نیز ۴۱ سال پس از حماسه سیاهکل و ۳۳ سال پس از سقوط رژیم شاه و حکمرانی رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی، واقعیات جامعه تحت سلطه ما با هزار و یک زبان در مورد صحت راه و آموزشهای رزمندگان سیاهکل در سخند. به راستی که **تئوری تا زمانی که ماهیت انقلابی و بویایی و انطباق خود با واقعیت را حفظ کند کهنه نمی شود.** اما رستاخیز سیاهکل در چه شرایطی رخ داد و کمونیستهای فدایی چه می گفتند؟

رستاخیز سیاهکل در شرایطی اتفاق افتاد که بدنبال کودتای امپریالیستی سال ۳۲ و بعد به اصطلاح انقلاب سفید شاه، حاکمیت مطلق دیکتاتوری بورژوازی وابسته و رژیم حافظ آن یعنی رژیم شاه، با سرکوب سیستماتیک و وحشیانه تمام سازمانها و مبارزات مردمی، تسمه از گردنه کارگران و خلقهای تحت ستم ما کشیده و با بیرحمی تمام، اعمال قدرت می کرد و بر بستر این شرایط و همچنین عواقب مخرب ناشی از بی عملی و خیانتهای حزب توده و تبلیغات گسترده دشمن که هر حرکت مبارزاتی را با نام ننگ آلود حزب توده می کوید، روحیه یاس و ناامیدی بر روشنفکران و عناصر مبارز جامعه حاکم شده و دره عمیقی از بی اعتمادی و فاصله بین روشنفکران و توده بوجود آمده بود. دشمن می کوشید تا هر گونه مبارزه ای را "بی فایده" جلوه دهد. انقلابیون کمونیست نه تجربه تئوریک و نه عملی از فعالیت های سیاسی در دوره قبل از کودتا در دست نداشتند و همه چیز را باید خود از نو می ساختند. در چنین شرایطی جنبش انقلابی مردم ما با بن بست مبارزاتی مواجه بود. صاعقه سوزان سیاهکل در چنین شرایطی آسمان ابری میهن ما را شکافت و بارانی جانبخش از امید و اعتماد در میان مردم به مبارزه برای تغییر وضع نکبت بار موجود را جاری ساخت. با نازل شدن این باران، سرانجام "پیوند" بین روشنفکر و مردم پا گرفت. بدین ترتیب با عروج نسلی از جوانان کمونیست و انقلابی که در مقابل دشمن تا بن دندان مسلح سلاح بدست گرفتند و جان خود را فدای آغاز و پیشرفت یک مبارزه سهمگین و نابرابر با دژخیم کردند، بن بست حاکم بر جنبش توده های ستمدیده و مبارزات آنها شکسته شد. اما **عظمت سیاهکل تنها به جان گذشتگی یک گروه کوچک محدود نبود؛ بلکه در انطباق عمل با تئوری راهنمای آنها بود؛ همین واقعیت باعث شد تا سیاهکل به مثابه ستاره ای تابناک، روشنی بخش دور جدیدی از مبارزه مردم ما با دشمنانشان برای نیل به آزادی و دموکراسی گشت.**

سیاهکل و آموزشهای آن بدلیل انطباقش بر واقعیت، به مانیفست انقلاب رهایی بخش مردم ما بر علیه امپریالیسم و ارتجاع بدل گشت. کمونیست های فدائی با تحلیلی علمی از ساختار اقتصادی-سیاسی جامعه ما ثابت کردند که ایران یک کشور تحت سلطه امپریالیسم است. آنها با جمع بندی مبارزات پیشین اعلام کردند که تا سلطه امپریالیسم و طبقه حاکم در ایران یعنی بورژوازی وابسته و دیکتاتوری ذاتی آن بر پاست هیچ گونه مبارزه مسالمت آمیز و یا اصلاحی در چارچوب نظام به نفع توده ها میسر و با دوام نیست. به این ترتیب، سیاهکل برای به میدان کشیدن مردم و رها ساختن انرژی مبارزاتی توده ها بر ضرورت اعمال قهر انقلابی برای در هم شکستن قهر ضد انقلابی دشمن در جریان یک جنگ توده ای تاکید کرد. سیاهکل میسر در هم شکستن ماشین ماشین دولتی استثمارگران حاکم و پیام دهنده ضرورت انقلاب اجتماعی برای رسیدن به آزادی و برابری بود. سیاهکل بر ضرورت رهبری طبقه کارگر به مثابه شرط پیروزی انقلاب تاکید می نمود. سیاهکل فریاد این واقعیت بود که در شرایط ایران، مبارزه طولانی ست و سقوط این یا آن رژیم وابسته بدون تداوم نبرد تا محو سلطه اهریمنی امپریالیسم به آزادی و دموکراسی ختم نمی شود. و بالاخره سیاهکل در پیکار با فرهنگ وابسته و سنتهای ارتجاعی گذشته، پیام آور یک فرهنگ، اخلاق و منش نوین مبارزاتی بود؛ مبارزه و پایداری در راه منافع رنجبران، تلاشی وقفه ناپذیر برای تحقق آرمانهای انسانی و رهایی بخش توده ها و بالاخره پایداری بر اصول و حفظ استقلال مادی و معنوی در پیشبرد مبارزه بر علیه دشمن استثمارگر، اینها جلوه های ارزشمندی از فرهنگ نوین و واقعاً کمونیستی بودند که چریکهای فدائی خلق با رزم دلاورانه خویش برای جامعه ما به ارمغان آوردند.

بدنبال رستاخیز سیاهکل و ادامه جنبشی که در سراسر میهن ما با خون سرخ رزمندگان سیاهکل و نسلی از فداکارترین فرزندان چریک فدایی و مبارز خلق سیراب شد، چند سال بعد در بهمن سال ۱۳۵۷، توده ستم دیده در ابعادی میلیونی به میدان آمد و اوج قدرت خود را هنگام سقوط رژیم ۲۵۰۰ ساله ستمشاهی به عینه لمس کرد. گرچه این تلاش بزرگ اجتماعی توده ها در نیمه راه متوقف ماند و انقلاب توده ها توسط امپریالیست ها از طریق دارو دسته خمینی به بیراه برده شد و رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی بر سر کار آمد، اما این امر هرگز نتوانست از اهمیت آن مبارزات سترگ و تاریخی بکاهد.

امروز در شرایطی به استقبال سالگرد این دو روز بزرگ تاریخی می رویم که کمر کارگران و زحمتکشان ما ازشرایط ناشی از ۳۳ سال حاکمیت فقر و فلاکت و سرکوب و دیکتاتوری امپریالیستها و سرمایه داران زانو صفت وابسته خم شده و جمهوری اسلامی در راستای خدمت به منافع نظام بحران زده سرمایه داری و سیاستهای جنگی امپریالیسم، با عملکردهای ضد خلقی خویش جامعه تحت سلطه ما را در گرداب تهدیدات ناشی از موج جدیدی از تبلیغات جنگی فرو برده است. این واقعیت ناگوار منجر به تقویت گرایشات شده که یا به تبلیغات مسموم برای توجیه تهاجم نظامی قدرتهای امپریالیست به ایران و سرنگونی رژیم به دست قدرتهای جهانخوار پرداخته اند و یا در جبهه مخالف، و زیر نام دفاع از میهن به توجیه دفاع از موجودیت این رژیم سراپا جنایت مشغولند. این موقعیت پیچیده، امروز وظیفه مبارزاتی بزرگی را بر دوش تمامی آزادیخواهان و کمونیستها و بویژه جوانان آگاه می گذارد که ضمن افشای و مخالفت با هر گونه جنگ و مداخله نظامی قدرتهای امپریالیستی، مبارزات خود را با الهام از آموزشهای رزمندگان سیاهکل هم در جهت سرنگونی جمهوری اسلامی و هم برای محو کامل سلطه امپریالیست ها در ایران پیش ببرند.

در سالگرد دو روز بزرگ تاریخی، یاد و راه رزمندگان سیاهکل و جانبازان قیام پرشکوه بهمن را با گام برداشتن در چنین راه دشواری به شیوه ای که شایسته آنهاست پاس داریم.

جاودان باد خاطره سترگ رزمندگان سیاهکل و توده های قیام کننده در بهمن ۵۷!

زنده باد مبارزه مسلحانه که تنها راه رسیدن به آزادی ست!

نابود باد رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی!

پیروز باد انقلاب! زنده باد کمونیسم!

با ایمان به پیروزی راهمان

چریکهای فدایی خلق ایران- ۱۶ بهمن ۱۳۹۰